

[مجاز و حقیقت 1](#_Toc510354366)

[تحلیل استعمال مجازی 1](#_Toc510354367)

[تشبیه در ضمن مجاز گویی موجب ابلغیت است 2](#_Toc510354368)

[عدم وجه ابلغیت به خاطر متضمن بودن تشبیه 2](#_Toc510354369)

[بیان نکته ای دیگر از کلام سکاکی و مناقشه شهید صدر به ایشان 3](#_Toc510354370)

[اشکال اول شهید صدر به مسلک سکاکی 3](#_Toc510354371)

[ادعای فردیت یا عینیت 3](#_Toc510354372)

[اشکال دوم شهید صدر به مسلک سکاکی 3](#_Toc510354373)

[مجاز تطبیق ادعایی در غیر موضوع له است حال یا در مراد جدی و یا در غیر مراد جدی 3](#_Toc510354374)

[اشکال سوم شهید صدر به مسلک سکاکی 4](#_Toc510354375)

[تطبیق به لحاظ غرض مورد نظر نه در همه ی موارد 4](#_Toc510354376)

[اشکال استاد به مسلک سکاکی به خلاف ارتکاز بودن 4](#_Toc510354377)

[مختار استاد: نظر سوم 4](#_Toc510354378)

[منبهات نظر سوم و نظر مختار استاد 5](#_Toc510354379)

**موضوع**: تحلیل استعمال مجازی /امر سوم از مقدمات /مقدمات علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد حقیقت و مجاز بود استاد فرمودند اصل وقوع استعمال مجازی قابل انکار نیست و از طرفی استعمال مجازی دائر مدار علائق ذکر شده نیست. نوبت به تحلیل استعمال مجازی رسید که درمجموع به سه نظریه اشاره کردند نظریه مشهور و سکاکی و شیخ محمد رضا نجفی.

# مجاز و حقیقت

## تحلیل استعمال مجازی

بحث در بیان استعمال مجازی بود. حقیقت استعمال مجازی چیست؟ در این مساله سه نظریه وجود دارد

1. نظریه مشهور که همان استعمال لفظ در غیر ما وضع له است.
2. نظریه سکاکی است به نظر ما ایشان در خصوص استعاره این ادعا را دارند و بعضی نیز در غیر استعاره نظر ایشان را جاری میدانند و خلاصه ان این است که در مجاز استعمال لفظ در معنای موضوع له است ولی همراه این استعمال یک ادعایی در تطبیق است مثلا اسد در همان حیوان مفترس استعمال میشود ولی در ان یک ادعای ضمنی وجود دارد که تطبیق بر رجل شجاع شده است که این ادعا را با قرینه میفهماند. ادعا در ناحیه تطبیق است. شاهد این نظریه که مقبول مرحوم بروجردی[[1]](#footnote-1) و مرحوم خویی[[2]](#footnote-2) است این است که مجاز ابلغ از حقیقت است اگر بنا باشد که شیر در همان رجل شجاع استعمال شده باشد وجهی برای ابلغیت نیست بلکه باید در همان حیوان مفترس باشد تا ابلغیت استفاده شود. و به ارتکاز و به وجدان میابیم که ابلغیت بیشتری در مجاز گویی وجود دارد. عمده نکته ای که موجب شده است که بعضی از اصولیون این مطلب را قبول کنند همین نکته ابلغیت بوده است.

### تشبیه در ضمن مجاز گویی موجب ابلغیت است

شهید صدر فرموده است[[3]](#footnote-3) و لو اینکه در مجاز ابلغیت بیشتری محسوس است اما وجه ابلغیت این نیست که شما اسد را در حیوان مفترس استعمال کرده اید بلکه ابلغیت مجازی گویی به خاطر متضمن بودن تشبیه است و ان تشبیه است که موجب ابلغیت شده است وقتی گفته میشود که رایت اسدا یرمی در حقیقت گفته شده است که دیدم رجلی که مثل شیر است نه اینکه اسد در معنای حقیقی استعمال شده باشد

#### عدم وجه ابلغیت به خاطر متضمن بودن تشبیه

به نظر ما جواب شهید صدر یک نوع تکلف است و ما در این مثال احساس تشبیه نمیکنیم بلکه اگر تشبیه هم نهفته باشد باز هم به مرتبه ی مجاز گویی نمیرسد مثلا اگر کسی بگوید رایت رجلا شجاعا کالاسد بلاغتش به اندازه رایت اسدا یرمی نیست و این کشف میکند که مجاز گویی متضمن تشبیه نیست و بلاغت مجاز گویی فوق تشبیه است فلذا ادعای مرحوم برجردی و مرحوم خویی حرف تمامی است.

پس اولا مجاز گویی متضمن ابلغیت نیست و ثانیا مجاز گویی ابلغیتش فوق تشبیه است.

### بیان نکته ای دیگر از کلام سکاکی و مناقشه شهید صدر به ایشان

جناب سکاکی در ضمن بیان خود به نکته ای دیگر پرداخته است که مورد مناقشه مرحوم شهید صدر قرار گرفته است. سکاکی گفته است که استعمال مجازی استعمال لفظ در ما وضع له است منتها با تطبیق ادعایی. شهید صدر میفرماید: در باب مجاز همه جا این کلام سکاکی درست نیست اینکه ما بگوییم در باب مجاز ادعای در تطبیق دارد درست نیست.

#### اشکال اول شهید صدر به مسلک سکاکی

1-در بعضی موارد فردی که ادعا شده است از افراد ان کلی نیست تا بگوییم ادعای در تطبیق بر افراد ان شده است. بله در مثل حیوان مفترس کلی است و ادعا شده است که رجل شجاع فردی برای حیوان مفترس است اما در مثل قمر کلی نیست تا ادعا شود حضرت عباس فردی از افراد ان قمر باشد تا گفته شود قمر بنی هاشم. ولی این مجاز گویی صورت گرفته است..

##### ادعای فردیت یا عینیت

چطور شده است که شهید صدر چنین مناقشه ای را وارد کرده است . اینکه بعضی از اصولیون کلمه فرد را اورده اند به لحاظ غالب بوده است و درمجاز یا فردی از ان کلی است و یا میگوییم عین ان کلی است و ادعای فردیت یا عینیت میشود.

#### اشکال دوم شهید صدر به مسلک سکاکی

2-این که ما بگوییم ادعای تطبیق مراد استعمالی که معنای حقیقی است بر مراد جدی که معنای مجازی است لازمه ی این حرف این است که مجاز به مواردی که مراد جدی باشد اختصاص داشته باشد اما در جایی که مراد جدی وجود ندارد دیگر نباید مجاز گویی داشته باشیم.

##### مجاز تطبیق ادعایی در غیر موضوع له است حال یا در مراد جدی و یا در غیر مراد جدی

مراد کسانی که این مسلک را قبول کرده اند این است که انها میگویند مجاز استعمال لفظ در موضوع له به همراه تطبیق ادعای باشد حال یا در مراد جدی است و یا در غیر مراد جدی است در موارد هزل نیز استعمال درمعنای حقیقی است و تطبیق بر غیر موضوع له است. پس مجاز استعمال لفظ در موضوع له به همراه تطبیق ادعایی در غیر موضوع له است. نظیر تقیه است که در ان خلاف حقیقت نیست ولی در تطبیق تقیه وجود دارد و اصل استعمال حقیقت است و صدق است ولی در تطبیق تقیه وجود دارد. همچنین در مجاز این گونه است که استعمال حقیقی است ولی تطبیق در غیر موضوع له است چه مراد جدی داشته باشد و چه نداشته باشد.

#### اشکال سوم شهید صدر به مسلک سکاکی

3-اگر بنای بر ادعا باشد گاهی ادعا نقض غرض متکلم است وخلاف غرض متکلم است مثلا گفته میشود یوسف مثل ماه است و غرض زیبایی یوسف است ولی در این جا خلاف غرض را میرساند چون زیبایی ماه به گردی و نورانی بودن است در حالی که گردی بودن یوسف موجب زیبایی او نمیشود فلذا در باب مجاز ادعا نیست.

##### تطبیق به لحاظ غرض مورد نظر نه در همه ی موارد

اینکه ما انسان ها را به ماه تشبیه میکنیم اصل تنظیر همان صورت است واگر صورت باشد غرض که زیبایی باشد رسانده میشود و تطبیق ماه بر شخص خاصی به لحاظ وجه اوست و وجه او نیز زیبایی دارد و درخشش دارد. پس تطبیق از همان لحاظ مورد نظر است نه از سائر جهات باشد.

خلاصه: تفسیر مجاز به استعمال لفظ در موضوع له و مجازیت در تطبیق باشد دارای اشکالات شهید صدر نیست.

### اشکال استاد به مسلک سکاکی به خلاف ارتکاز بودن

ما نمیتوانیم بگوییم در همه ی موارد مجاز گویی این دقت شده باشد که مجازیت در ناحیه تطبیق باشد و در ناحیه تطبیق ادعا وجود داشته باشد خصوصا در تمثیل. اینکه بگوییم «اعتق رقبه مومنه » رقبه خود گردن باشد و تطبیق رقبه بر کل انسان است نمیتوانیم باور کنیم. مجاز یک امر ساده و بسیط است و این دقت و تطبیق را برنمیتابد. شاید در ذهن شهید صدر نیز همین مطلب باشد.

## مختار استاد: نظر سوم

به نظر میاید که نظر سوم درست است یعنی مجاز استعمال لفظ در موضوع له است و ادعایی در کار نیست اختلاف مجاز و حقیقت در غرض نهایی است وقتی گفته میشود رایت اسدا گاهی اوقات همان معنای موضوع له غرض نهایی است که همان را تثبیت میکنیم و گاهی اوقات از ان معنای حقیقت تجاوز میکنیم ومعنای دیگری را اراده کردیم و ان معنای حقیقی را معبر قرار میدهیم برای رسیدن به ان معنای مجازی. و معنای حقیقی طریق برای معنای دیگری است.

### منبهات نظر سوم و نظر مختار استاد

منبه اول: همان داستان ابلغیت است

منبه دوم: شاهد این ادعا این است که ملحقاتی را ضمیمه میشود مناست معنای موضوع له است مثلا گفته میشود شیری را دیدیم که میغرید و جواب میداد و این معنا کاشف از استعمال لفظ در معنای حقیقی است.

منبه سوم: در جلسه اینده

1. نهایه الاصول ص 39 [↑](#footnote-ref-1)
2. [مصباح الاصول، السید أبوالقاسم الخوئی، ج1، ص91.](http://lib.eshia.ir/13046/1/91/سکاکی) [↑](#footnote-ref-2)
3. [بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج2، ص168.](http://lib.eshia.ir/13064/2/168/الوجه) [↑](#footnote-ref-3)